

جنگ سدها

بار تولومی لافرت-دانیلا سالا

ترجمه‌ی همایون عباسی



این پُل در نزدیکی شهر دَرَبندیخان در شمال عراق روی بستر رودخانه‌ی دیاله قرار دارد. رودخانه‌ی دیاله با عنوان «سیروان» از ایران سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه اندکی بعد از فصل بارندگی نیز آب زیادی در خود داشت.

در بین‌النهرین، مابین رودخانه‌های دجله و فرات برای نخستین بار جماعات انسانی ساکن شدند و کشاورزی را اختراع کردند. امروز با ظهور پدیده‌هایی مانند بحران اقلیمی، سیاستمداران فاسد و گرسنگی برای انرژی، یکی از حاصلخیزترین مناطق جهان، قابلیت سکونت را از دست داده است.

از اعماق آن صدای خِسِ خِسی بلند می‌شود. از دماغه‌ی یک صخره انتهای یک لوله‌ی پلاستیکی به طول ۲۰۰ متر آویزان است که قرار بود آب را به مزارع کشاورزان منتقل کند. در جایی که روزگاری رودخانه بود، امروز تنها یک گودال کثیف به جا مانده است.

القد محمود بر فراز صخره‌ای ایستاده و به بستر خشک‌شده‌ی دیاله - یکی از مهم‌ترین شاخه‌های رود دجله در شمال عراق - خیره شده است. این مرد ۳۳ ساله می‌گوید: «تا دو سال آینده دیگر هیچ‌کسی اینجا نمی‌ماند». او بخشدار توپخانه، روستایی با ۷۲ سکنه در منطقه‌ی خودمختار کردستان در شمال عراق است. «همه به این دلیل است که ایران به سدسازی مشغول است و به تشنگی و بی‌آبی ما اهمیتی نمی‌دهد».

زمانی منطقه‌ی بین دجله و فرات حاصل‌خیزترین ناحیه‌ی جهان به شمار می‌رفت. در بین‌النهرین (مابین ترکیه، سوریه و عراق امروزی) انسان‌ها ساکن شدند و کشاورزی را اختراع کردند. جریان سیلاب‌های منظم، آبی گران‌بها و گل‌ولای پرثمری برای بارورتر کردن مزارع به ارمغان می‌آورد. تا امروز وجود هیچ عاملی در اهمیت این دو رودخانه برای منطقه تغییر نکرده است. فقط این که در حال حاضر، باید برای انسان‌های زیادی آب تأمین شود.

عراق یکی از پنج کشوری است که به شدیدترین حالت از بحران اقلیمی متأثر شده است. در حال حاضر قریب به ۲۰ درصد از جمعیت حدوداً ۴۰ میلیون نفری ساکنان، از کمبود آب رنج می‌برند. اگر نظر مردم در شمال عراق را بپرسید بیش از هر چیز ایران را مقصر این بحران می‌دانند.

در حقیقت، مسئله مقداری پیچیده‌تر است: این معضل با منابع اقتصادی، مقامات فاسد، و درهم‌تنیدگی‌های بین دولت‌ها و بحران اقلیمی جهانی مرتبط است.

آب کم‌تر، خاک بیش‌تر

مؤسسه‌ی منابع جهانی - اندیشکده‌ای جهانی برای مسائل زیست‌محیطی - ابزاری آن‌لاین به نام «Water, Peace and Security» (آب، صلح و امنیت) (به‌طور مشترک) توسعه داده که پیش‌بینی می‌کند در ۱۲ ماه بعدی، در کجا مناقشه بر سر آب رخ خواهد داد. آنچه امروز در شمال عراق قابل مشاهده است، مناقشه‌ای در حال پدیدار شدن است، مناقشه‌ای در حال شکل‌گیری. مناقشه‌ای مانند آنچه که در حال حاضر در [دریای چاد](#)، مسلحانه در جریان است و در دهه‌های آینده در خیلی از مناطق جهان می‌تواند رخ بدهد. مورخان مدت‌هاست هشدار می‌دهند که جنگ بر سر آب می‌تواند جنگ‌های نفتی قرن ۲۱ باشد.

پسر القد محمود درحالی‌که داستانش را تعریف می‌کند، چای سیاه لزج شیرینی دم می‌کند. سه سال پیش او یک سیستم پمپاژ آب تهیه کرد که امروز از آن فقط صدای خس‌خس لوله‌های خالی از آب شنیده می‌شود. این سیستم برای او ۱۷۰۰ دلار هزینه داشت. پس از آن، بیل‌مکانیکی‌ها برای حفاری در بستر رودخانه گسیل شدند. اقدام بعدی ایران این بود که به کمک سدها شروع به انسداد جریان آب رودخانه کرد. در دیاله اکنون به میزان دوسوم آب کم‌تری جریان دارد، از پمپ‌هایی که قرار بود آب مزارع برنج و علفزارهای پسر القد محمود را تأمین کند، دیگر برای هیچ‌چیزی نمی‌توان استفاده کرد. برداشت محصول او به یک‌دهم کاهش یافته است.



«دو سال دیگر هیچ کس برای زندگی در اینجا نمی ماند»: بخشدار روستا، القد محمود به همراه دخترش



آیندهی خانواده اش: القد محمود که زمانی آب را از دیاله (سیروان) به مزارعش پمپاژ می کرد، اکنون فقط رودخانه را از دور می بینید.

در گوشه‌ی اتاق پذیرایی یک تفنگ قدیمی دیده می‌شود. محمود می‌گوید: «نگران نباش، فقط آنجاست تا بتواند در مقابل سارقان از خود دفاع کند». قبل از اینکه آن‌ها جنگی بر سر آب به راه بیندازند، او مثل بقیه به همراه خانواده‌اش آنجا را ترک می‌کند. «دور از سرزمین و به شهری که ما آنجا مثل برده برای شرکت‌های بزرگ عملگی یا به‌عنوان دستفروشان خیابانی امرارمعاش کنیم».

صدها روستا تنها در امتداد دیاله و همچنین دو شهر بزرگ‌تر کَلار و حلبچه متأثر از خشک‌سالی هستند. بیش از تقریباً هر کشور دیگری، تأمین آب عراق به منابعی وابسته است که از خارج از قلمرو سرزمینی خود منشأ می‌گیرد. به‌خصوص در ترکیه و ایران.

نامیق مصطفی می‌گوید: «زمانی که شروع به آبادسازی اینجا کردیم، برای ما قابل تصور نبود که کمبود آب به مشکل اصلی ما بدل شود». او معاون دپارتمان هیدرولوژی سد دَرَبندیخان است، یک شهر کوچک در اقلیم کُردستان، ۲۰ کیلومتری بالادست مزارع محمود. از برج دیدبانی [سد دَرَبندیخان] چشم‌اندازی به عمق ۳۰ متر دیده می‌شود. پایین دریچه‌ی سد، فرشی از زباله و بطری‌های پلاستیکی روی مخزن آن شناور است. مصطفی و همکارانش هر چند هفته یک‌بار، به تناوب، دریچه‌ی سد را برای تأمین آب مردم پایین‌دست باز می‌کنند.



در زمان مسئولیت نامیق مصطفی در دپارتمان هیدرولوژی سد دَرَبندبخان، هنوز آب فراوانی جریان داشت.

مصطفی می‌گوید مطمئن نیست آیا این کار بیشتر به مردم کمک می‌کند یا آسیب می‌رساند. به زعم وی کاهش مداوم سطح آب به معنای تراز بالاتر آلودگی است، زیرا آب موجود نمی‌تواند خاک شهرها را سیراب کند، به طوری که آب پایین دست به ندرت برای آبیاری قابل استفاده است چه برسد به آب آشامیدنی.

مصطفی در ادامه توضیح می‌دهد: «این سد [سد دَرَبندبخان] پنجاه سال پیش به منظور تولید انرژی و کنترل سیلاب‌های فصلی در پایین دست ساخته شد». او در سی سالی که در دپارتمان هیدرولوژی مشغول به کار بوده، شاهد حاکمان و دوره‌های خشک سالی مختلف بوده اما هیچ وقت اوضاع به وخامت شرایط موجود نبوده است. او می‌گوید: «به طور معمول در این فصل سال بایستی ۴۰۰ تا ۵۰۰ مترمکعب بر ثانیه آب به مخزن (حوضه) سد سرازیر می‌شد، در عوض این مقدار فقط ۲۸ مترمکعب است». مصطفی می‌گوید: «از چهار سال پیش (تاریخ انتشار این مقاله ۱۰ جولای ۲۰۲۱) تاکنون ما با مشکلاتی مواجه بوده‌ایم، اما از سال گذشته ایران جریان آب را کاملاً به روی ما قطع کرده است.»



سد دَرَبندیخان در عراق همچنان به‌ندرت می‌تواند آبی به کشاورزان برساند - این نیز به دلیل احداث سد داریان در بالادست در ایران است.

علت اصلی مشکلاتی که مصطفی از آن‌ها صحبت می‌کند، به بالادست رودخانه، در عمق ۲۸ کیلومتری داخل خاک ایران برمی‌گردد؛ جایی که دیپاله را با نام سیروان می‌شناسند. سد داریان که مابین دو کوه واقع شده است، رودخانه‌ی سیروان را مانند یک شاخه‌ی خاکستری به ارتفاع ۱۶۹ متر مسدود می‌کند. این سد بزرگ‌ترین سد یک پروژه‌ی بزرگ‌تر است که نام آن بیشتر به یک اصطلاح تندرستی شبیه است تا یک پروژه‌ی صنعتی: پروژه‌ی آب گرمسیری.

در مجموع، پروژه‌ی آب گرمسیری شامل ۱۴ سد است که می‌تواند ۱،۹ میلیارد مترمکعب آب را در خود جای دهد. بنفشه کینوش - کارشناس امور بین‌الملل - در پاسخ به درخواست Republik [مجله Republik، منتشرکننده این مقاله] نوشت: هدف ایران تولید انرژی و منحرف کردن رودخانه‌های سیروان (دیپاله) و زمکان برای

آبیاری مناطق کشاورزی در داخل و خارج حوضه‌ی دیاله (سیروان) است. برای تسهیل این منظور ۱۵۰ کیلومتر تونل زیرزمینی با گنجایش بیش از یک میلیارد مترمکعب برای هدایت آب از سدهای مرزی عراق به مزارع جنوب ایران احداث شده است. پیش‌تر حسن روحانی - رئیس‌جمهور وقت ایران - در سال ۲۰۱۷ اعلام کرده بود: «پروژه‌ی آب گرمسیری، منطقه را به طور کامل تغییر خواهد داد. مخصوصاً در این برهه که فشار دشمنان ما رو به افزایش است، این نشانه‌ی مقاومت است. هر اتمام طرح بزرگی، ضربه‌ای است به دشمنان ما».



۱. سد داریان ۲. سد دوکان ۳. سد دَرَبندبخان ۴. سد ایلیسو

[بنفشه] کینوش می‌نویسد، در جریان بازسازی بعد از جنگ ایران و عراق، اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰، سدها نه‌تنها برای تولید آب و انرژی بودند، بلکه منشأ غرور ملی به شمار می‌آمدند. «افتخار به انقلابی که می‌خواستند با آن استقلال خود را به بقیه‌ی دنیا و توانایی خود برای دوره‌ی جدیدی از توسعه‌ی علی‌رغم همه‌ی محرومیت‌ها نشان دهند.» می‌توان گفت امروز سدها منبع غرور ملی و ابزاری برای مقابله با تحریم‌های آمریکا و بحران‌های اقلیمی هستند. کینوش تخمین می‌زند که ایران سالانه حدود ۳۰ درصد از منابع آب زیرزمینی خود را به دلیل بحران اقلیمی از دست می‌دهد: «مادامی که ایران منابع آبی خود را قابل استفاده نکند، تا سال ۲۰۳۶ کشور در بحران بزرگی قرار خواهد گرفت و با مهاجرت گسترده مواجه خواهد شد.»

انتظار می‌رود امسال یکی از خشک‌ترین سال‌های نیم‌قرن گذشته باشد؛ در ماه مه رضا اردکانیان، وزیر انرژی ایران، هشدار داد که ایران وارد یکی از بدترین دوره‌های کمبود آب شده است. این اظهارنظر درحالی است که از ۸۵ میلیون جمعیت این کشور، ۲۸ میلیون در مناطق خشک زندگی می‌کنند. کینوش در سال ۲۰۱۸ در مقاله‌ای برای «مؤسسه‌ی بین‌المللی مطالعات ایران» نوشت؛ یک‌سوم جمعیت روستایی ایران پیش‌ازاین به خاطر خشک‌سالی و توفان شن روستاهای خود را ترک کرده‌اند.

مسئله‌ی امنیت ملی

امروز دریاچه‌ی ارومیه که زمانی دومین دریاچه‌ی نمک جهان به شمار می‌رفت، نماد بحران آب در ایران است. دریاچه‌ای که در کم‌تر از دو دهه تقریباً به طور کامل رو به خشکی نهاده و به کمتر از ۵ درصد اندازه‌ی خود کاهش یافته است. در سال ۲۰۱۳ دولت ایران برنامه‌ی احیای دریاچه ارومیه را آغاز کرد، اما با وجود حمایت جهانی موجب بروز مجادلاتی نیز شد.

ایران از طریق یک رشته کانال و دو سد اصلی، سالانه تا ۶۲۳ میلیون مترمکعب آب از زاب کوچک - یکی از شاخه‌های دجله و یکی از مهم‌ترین منابع آبی در شمال عراق

- به بخش جنوبی دریاچه ارومیه هدایت می‌کند. پدیده‌ای کاملاً مشابه آنچه که در دیاله جریان دارد.

کینوش می‌گوید؛ در ایران در همین حال کمبود آب به‌عنوان یک مشکل امنیت ملی به شمار می‌رود. چالشی که دولت ایران برای حل آن در سال‌های گذشته میلیون‌ها دلار سرمایه‌گذاری کرده و توجه کمی به آن داشته است. «ساخت سد برای ایران از یک سو واکنشی است به بحران آب که با آن سیاستمداران و "مافیای آب" منتفع می‌شوند و از سوی دیگر راهی است تا بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ نفوذ خود را در عراق و منطقه گسترش دهد؛ منافع عراق در این میان نقشی ندارند.»

در خود ایران اما هیچ ارگان رسمی نمی‌خواهد در مورد این موضوع صحبت بکند. هم وزیر نیرو و هم معاون وزیر در امور آب درخواست مصاحبه را بی‌پاسخ گذاشتند. همچنین درخواست از مدیریت منابع آب هم ناموفق بود. یک روزنامه‌نگار ایرانی که طی پنج سال گذشته در مورد مسئله‌ی آب برای رسانه‌های بین‌المللی گزارش تهیه کرده است تأیید می‌کند که «افراد دولتی معمولاً تمایل چندانی به پاسخ‌گویی ندارند.» افزون بر این، دسترسی به دانشمندان مقیم ایران نیز سخت است. در مجموع هشت متخصص مختلف مایل به ارائه هیچ اطلاعاتی نیستند. کارشناس منابع آبی یکی از دانشگاه‌های ایرانی عذرخواهی می‌کند که او «پس از ملاحظاتی» متأسفانه باید مصاحبه را لغو کند. یک دانشمند عراقی که از سال‌ها پیش در مورد سدهای ایرانی تحقیق می‌کند، می‌نویسد که نمی‌تواند با منابع خود در ایران ارتباطی برقرار کند، زیرا او «به آن‌ها قول داده است، نام آن‌ها را به دلیل وضعیت ایران محرمانه نگه دارد.»

کاوه سالار آمادگی ترک زادگاهش را ندارد. مرد ۴۹ساله‌ی عراقی که در دربندیخان، شهری کوچک پایین‌تر از دریاچه‌های بزرگ سد زندگی می‌کند. «ما از صدام و جنگ داخلی جان سالم به در نبردیم تا اجازه بدهیم ایران ما را به زانو در بیاورد.» کاوه در حالی این‌ها را می‌گوید که حالت چهره‌اش به‌سختی می‌تواند خشم او را پنهان کند. او با لباس سنتی کُردی، شلواری راحت و کمربند گل‌آذین، به کارگرانی نگاه می‌کند که تلاش می‌کنند یک نهال خرما را در مزرعه‌اش بکارند.

سالار امروز یک کشاورز ساده درحالی‌که قبلاً یک زمیندار بزرگ بود. او می‌گوید که در آن زمان ۱۵۰ خانوار روی مزارع او کار و از این طریق امرارمعاش

می‌کردند؛ با این حال امروز از آن‌ها تنها ۵ نفر باقی مانده است. پیش‌تر برنج، بامیه و خربزه می‌کاشت ولی امروز آب تنها کفافِ خرما (نخل) را می‌دهد. او قبلاً مالک یک دوجین مزرعه‌ی پرورش ماهی بود، حالا ماهی‌های کپور درونِ حوضِ مقابلش آخرین چیزهایی است که برای او باقی مانده است.



کاوه سالار کشاورز و زمیندار بزرگ سابق، مجبور به تغییر کشت شد. او به جای برنج و هندوانه اکنون خرما تولید می‌کند



سالار می‌گوید: «این جنگی در حال شکل‌گیری نیست - بلکه ما در حال حاضر در میانه‌ی جنگ آب هستیم. ایران می‌خواهد ما گردها را نابود کند و دولت مستقر در بغداد هم مصمم به اقدام متقابلی نیست. اما من پسرانم را به‌عنوان مردانی راسخ تربیت کرده‌ام. پیش‌ازین که سر خود را مقابل آن‌ها خم کنیم، مبارزه خواهیم کرد.» کشاورز اما ناتوان است.

مردم ناتوان زیادی می‌توان در بازار گلار دید، شهری با جمعیت ۲۵۰ هزار نفر، بزرگ‌ترین شهر در امتداد رودخانه‌ی دیاله در اقلیم خودمختار کردستان است. صبح زود، پیش از اینکه آفتاب به بالاترین سطح خود برسد و بیرون از سایه‌ی گرما غیرقابل تحمل بشود، مردم به میدان شنی حومه شهر سرازیر می‌شوند. کاسبان چرخ‌دستی‌ها و وانت‌های خود را در چند ردیف پارک کرده و با صدای بلند فریاد می‌زنند و از میوه‌ها، سبزیجات و ماهی تازه خود تعریف می‌کنند.

چیزی که آن‌ها اشاره نمی‌کنند این است که این‌جا به‌ندرت محصولی از عراق می‌آید بلکه تقریباً همه چیز وارداتی است؛ از ترکیه و از ایران. یک کاسب می‌گوید: «آن‌ها می‌توانند به علت ارز بسیار ضعیف‌تر محصولاتی بیشتر و ارزان‌تر تولید کنند. قیمت

ماهی ایران نصف اینجاست، سبزیجات هم دقیقاً همین‌طور است. واردات خیلی ارزان‌تر است از این‌که بخواهیم خود محصولی را تولید کنیم.» این تحولی است که در ابتدای دهه‌ی ۲۰۰۰ آغاز شد، زمانی که تجارت نفت در شمال عراق در حال رونق بود، دولت کشاورزان را به فراموشی سپرد و بسیاری از مردم روستاها به شهرها نقل‌مکان کردند؛ تحولی که نقطه‌ی اوج جدیدی در بحران آب پیدا می‌کند.

وابسته به واردات

برای ایران که از تحریم‌ها ضربه خورده عراق یکی از مهم‌ترین شرکای تجاری است، ۳۵ درصد صادرات محصولات کشاورزی به عراق وارد می‌شود. استاد مدیریت منابع آب در دانشگاه گرمیان گلار، عبدالمطلب رأفت سرحد در یک ضیافت شام می‌گوید: «ایران عراق را به بازار خود تبدیل کرده است.»

برای او این مسئله ساده است: ایران جلوی آب را گرفته است؛ کمبود آب، کشاورزان عراقی را بیش‌تر مجبور کرده از کاشت محصولات آب‌بری مانند برنج، گوجه‌فرنگی، هندوانه و همچنین پرورش ماهی چشم‌پوشی کنند. در مقابل، ایران محصولات را به عراق می‌دهد. سرحد می‌گوید: «به‌این‌ترتیب ما غرق در کالاهای ایرانی می‌شویم. ما به‌طور فزاینده‌ای به واردات آن‌ها وابسته هستیم.»

سرحد می‌گوید؛ تنها کسانی که می‌توانند مشکل را حل کنند، دولت‌های ایران، عراق و ترکیه هستند؛ با توافق بین‌المللی درباره‌ی استفاده مشترک از منابع فرامرزی - اما دقیقاً مشکل این‌جاست.

زیرا استفاده از رودخانه‌هایی مانند دیاله درواقع تحت قوانین بین‌المللی تنظیم شده است: در توافق درباره‌ی حق استفاده‌ی غیرکشتیرانی از آب‌های جاری بین‌المللی که در سال ۱۹۹۷ توسط سازمان ملل متحد تصویب شد و از سال ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شده

است. مشکل این جاست که عراق این کنوانسیون را سال ۲۰۰۱ تصویب کرد، ایران به آن رأی موافق داد، اما هرگز آن را تصویب نکرد و ترکیه حتی به آن رأی مخالف داد. ارجان آیبوگا، مهندس محیط‌زیست و مشاور بنیاد رزا لوکزامبورگ در هسین (ایالتی در آلمان) می‌گوید: «سدها برای ایران و ترکیه فرصت خوبی هستند تا نفوذ سیاسی خود را در عراق افزایش دهند.» او به‌عنوان یک کنشگر، سال‌های زیادی علیه ساخت ایلیسو در حسن‌کیف در ترکیه مبارزه کرد. این سد سال ۲۰۲۰ روی رود دجله تکمیل شد و بیش از ده میلیارد مترمکعب آب را در خود جای داده است و کنترل تمام آبی را که به شمال سوریه و عراق می‌ریزد به ترکیه می‌دهد.



پیک‌نیک در کرانه‌ی رود دباله (سیروان)، جایی از رودخانه که هنوز آب جریان دارد.

آیبوگا می‌گوید: «تا سال ۲۰۰۳ ترکیه در کنار عوامل دیگر - چون هیچ نفتی هم نداشت - به‌ندرت امکانی برای اعمال فشار بر عراق داشت. بعد از آن تلاش کردند تا از طریق سرمایه‌گذاری وابستگی به خود ایجاد کنند. در این بین آب نقش ویژه‌ای بازی

می‌کند، زیرا عراق بسیار به آب دجله و فرات وابسته است. بدون این آب، نه آبی برای آشامیدن وجود دارد نه برای کشاورزی.»

به‌ویژه آب برای ترکیه ابزار ارزشمندی برای مبارزه علیه کردهای اپوزیسیون در منطقه است. «عراق برای تأمین جریان آب در بلندمدت به‌صورت دومیلتی با ترکیه مذاکره کرده و چیزهای دیگری نیز برای این امر قربانی کرده است؛ آن‌ها به شرکت‌های ترک اجازه‌ی سرمایه‌گذاری می‌دهند و عراق در مقابل، خواسته‌ی ترکیه در "سیاست گُردستان" را برآورده می‌کند (تا حدی کوتاه می‌آید). این بدان معناست که وقتی ترکیه مواضع حزب کارگران گُردستان (PKK) را بمباران می‌کند و هم‌زمان مردم نظامی در روستاها را می‌کُشد، آن‌ها سکوت می‌کنند.»

بسیاری از عراقی‌ها از ترکیه، از ایران و بیش از همه از دولت خودشان خشمگین هستند. سالار زمیندار بزرگ سابق می‌گوید: «احساس می‌کنیم به ما خیانت شده است.» سرحد دانشمند گلاری به‌کنایه می‌پرسد: «وجود کنوانسیون‌های سازمان ملل، وقتی کسی آن‌ها را اجرا نمی‌کند، چه سودی دارد؟»

تا زمانی که باتلاق‌های بین‌النهرین خشکیده هستند

سرحد می‌گوید: «تنها راه عمل برای واداشتن ایران و ترکیه به آزادسازی آب این است که موضوع به شورای امنیت سازمان ملل برده شود. اما دولت بغداد قادر به انجام این کار نیست: قدرت شبه‌نظامیان طرفدار ایران زیاد است؛ [دولت عراق هم] از نظر اقتصادی و نظامی بیش‌ازحد به ترکیه وابسته است. اگر این اقدامات برای بازنگه‌داشتن جریان آب از سوی دولت‌های همسایه کارساز نیست، حداقل ما به یک مدیریت آب کارآمد و واحد نیاز داریم، اما حاکمان اقلیم خودمختار کردستان در اربیل (هولیر)

سرانجام با واگذاری مجوزهای ساخت و ساز انبوه برای معادن شن و ماسه، رودخانه‌های باقی‌مانده را نابود خواهند کرد.»

اکرم احمد رسول می‌گوید؛ در عوض راه‌حل‌های کاملاً متفاوتی در شمال عراق به کار گرفته می‌شود. او مردی پرمشغله با سبیلی کلفت و بیانی موجز است. او در دفتر خود در اربیل، پایتخت اقلیم خودمختار کردستان، پشت یک میز چوبی سنگین نشسته که روی آن تلی از کاغذ انباشته است. جلوی آن مبل‌های چرمی، مانند سویت‌های ریاست جمهوری قرار دارد. روی دیوارها تصاویر قاب‌شده‌ای آویزان است: سدهای موصل، دوکان و دربندیخان.



احمد رسول از سدهای ایران انتقاد می‌کند و خود همزمان مسئول مخازن سدهای زیادی در اقلیم خودمختار کردستان در شمال عراق است.

رسول مدیرکل اداره‌ی سدها و مخازن آبی اقلیم خودمختار کردستان - مردی که وظیفه‌ی حل مشکل آب در شمال عراق به او سپرده شده - است. او می‌گوید: «من به

حدی از استیصال رسیده‌ام. سیاستمداران بغداد عروسک خیمه‌شب‌بازی رژیم تهران هستند. تهران و آنکارا هم به ما اعلام جنگ آب داده‌اند.»

رسول بیش از ده سال است تلاش می‌کند تا مشکل آب را به کنترل درآورد. تاکتیک او: یکسان شبیه به آنچه در ترکیه و ایران است؛ برای حفظ آب در اقلیم خودمختار گُردستان، سدهای خود را ساخته‌اند. در اوایل سال ۲۰۱۴ وزارت کشاورزی و منابع آب اعلام کرد که ساخت سدها هدفی استراتژیک «برای مقابله با مشکلات تغییرات اقلیمی و ساخت سدهای بالادست» است. در آن زمان گفته شد که ۲۴۵ سد در قلمرو منطقه خودمختار گُردستان ساخته خواهد شد.

رسول می‌گوید: «اگر بودجه داشته باشیم، می‌توانیم همه آن‌ها را تا ده سال آینده تکمیل کنیم. در طی این مدت ساخت ۱۴ سد تمام شده، ۱۷ سد در حال ساخت که ۴ سد آن‌ها بزرگ هستند، ۴۰ سد در دست برنامه‌ریزی هستند و ساخت ۱۷ سد هم به خاطر کمبود اعتبار تعلیق شده‌اند.» به نظر می‌رسد که او در واقع معتقد است سدهای بیش‌تر مشکل را حل خواهد کرد.

علی الخرکی - عضوی از کمپینی به نام **SaveTheTigris#** با شنیدن چنین چیزی تنها می‌تواند لبخند بزند. «اگر آن‌ها در شمال عراق سد بسازند، تنها به این معنی است که مشکل به تعویق می‌افتد و باتلاق‌های بین‌النهرین در جنوب عراق خشک می‌شوند و مردم پایین‌دست از تشنگی خواهند مُرد.» او در سلیمانیه، شهری در اقلیم خودمختار گُردستان، پشت پنجره‌ی طبقه‌ی سوم یک کارخانه تنباکو ایستاده که در سال‌های اخیر به یک مرکز فرهنگی تبدیل شده است.

روبه‌روی الخرکی روی میز نقشه‌ای است که روی آن مختصات تمام سدها و بندهای آبی منطقه را ترسیم کرده است. اگر از او بپرسید چه کسی در نبرد سدها برنده خواهد شد، پاسخ او روشن است: هیچ‌کس. «چرخه‌ی آب مانند چرخه‌ی بدن ما عمل می‌کند. اگر لختگی خونی در هر جایی ایجاد شود، بدن دیگر خون دریافت نمی‌کند و می‌میرد.»



فعالان آب در شهر سلیمانیه در شمال عراق هشدار می‌دهند که اگر همه روی سدها شرط‌بندی کنند، در نهایت همه چیز خشک خواهد شد.

در سال ۲۰۲۰ الخرکی از بغداد به سلیمانیه گریخت. در سال ۲۰۲۰ این فعال آب زمانی که جوانان عراقی علیه دولت شورش کردند، در تظاهرات به اصطلاح «انقلاب دسامبر» شرکت کرد. وی سپس توسط شبه‌نظامیان ایرانی که از سال ۲۰۱۴ نفوذ فزاینده‌ای در بغداد پیدا کردند، ربوده و شکنجه شد.

او می‌گوید، درک اینکه ناآرامی‌های اجتماعی و بحران آب چقدر درهم‌تنیده شده‌اند بسیار مهم است. «وقتی به جوانان فعال در عراق آموزش می‌دهم، دوست دارم همیشه آن‌ها را با گفتن این غافلگیر کنم که سرمنشأ اعتراضات در بغداد و بصره ناشی از آب بوده است. بیش‌تر آن‌ها سر تکان می‌دهند و می‌گویند: نه، مردم علیه دولت و فساد تظاهرات می‌کنند.»

اما در واقعیت این دو را نمی‌توان از هم جدا کرد، الخرکی می‌گوید: «اگر آب کافی نداشته باشیم، زمین‌های کشاورزی را از دست می‌دهیم. کشاورزان، رانندگان و زنان فروشنده شغل خود را از دست می‌دهند. دولت ما هم باید به‌طور مستمر پول بیشتری برای واردات هزینه کند. فقر و ناامنی افزایش و این مردم را به خیابان می‌کشاند.»

به‌طور مشخص، نمود این امر در بصره در جنوب عراق بود. جایی که در تابستان سال ۲۰۱۸ اعتراضات به طور ناگهانی آغاز شد، زمانی که ۱۲۰ هزار نفر از مردم منطقه مجبور به بستری در بیمارستان شدند، زیرا به دلیل کمبود آب، آب آلوده نوشیده بودند. کمبود آب به‌طور فزاینده‌ای کاتالیزور ناآرامی اجتماعی است. اعتراضات پس از اکتبر ۲۰۱۹ در بغداد تنها می‌تواند آخرین نمونه برای این مسئله باشد که چگونه تخریب محیط‌زیست، عراقی‌ها - به‌ویژه جوانان عراقی - را به مبارزه با وضعیت موجود سوق می‌دهد.

پایان سدهای عظیم

مدیرپروژه موسسه منابع جهانی، چالز ایسلند که از توسعه‌دهندگان ابزار آنلاین «Water, Peace and Security» است، در مصاحبه‌ای با دویچه‌وله (DW) می‌گوید: «جنگ‌ها به‌ندرت فقط به خاطر آب به وقوع می‌پیوندند. دقیق‌تر بگوییم ما می‌بینیم که آب تشدیدکننده‌ی تهدید است. بنابراین یک مشکل پسینی است. مسائل دیگری وجود دارند که منجر به بی‌ثباتی می‌شود، برای نمونه مناقشه‌های میان گروه‌های اتنیک و هر چیز دیگری که باعث خشونت می‌شود. کمبود آب در بیشتر اوقات جامعه را بی‌ثبات می‌کند به‌طوری‌که آن‌ها کمتر قادر هستند مشکلات را با تفاهم حل کنند.»

بنابراین برای بیشتر مردم عراق روشن است که تنها راه‌حل می‌تواند درهم‌پیچیده باشد؛ جامعه‌ی جهانی باید ایران و ترکیه را تحت‌فشار قرار دهد تا کنوانسیون‌های سازمان

ملل را رعایت کنند؛ در این حالت دولت‌های بغداد و اربیل در نهایت تمایل بیشتری به حل مسئله‌ی آب از خود نشان می‌دهند. و مهم‌تر از همه، باید ساخت سدهای عظیم پایان یابد.

عبدالمطلب سرحد می‌گوید: «برای بالغ بر هزاران سال، منطقه اینجا به دلیل وجود دجله و فرات گهواره‌ی تمدن محسوب می‌شد. من نمی‌خواهم به نسلی تعلق داشته باشم که تمدن در آن به پایان می‌رسد.»

پیوند با منبع اصلی:

<https://www.republik.ch/2021/07/10/krieg-der-daemme>